



درباره سیاست

اقتباس و ترجمه:
دکتر نورعلی نوری

به کوشش
مصطفی دانش‌پژوه
(دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۸

نوری، نورعلی، ۱۳۷۹-۱۳۰۴.

درباره سیاست / اقتباس و ترجمه نورعلی نوری؛ به کوشش مصطفی دانش‌پژوه _ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
نه، ۱۵۰ ص. _ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۱۶: حقوق؛ ۵۱)

ISBN: 978-600-298-273-5

بها: ۱۷۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۲۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. علوم سیاسی؛ Political science: ۲. علوم سیاسی -- فلسفه؛ Political science – Philosophy: ۳. علوم سیاسی -- تاریخ؛

Political science -- History

گردآورنده: دانش‌پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

رده بندی کنگره: ۷۱۸ رده بندی دیویی: ۳۲۰

شماره کتابشناسی ملی:

۵۷۵۷۶۸۸



درباره سیاست

اقتباس و ترجمه: دکتر نورعلی نوری

به کوشش: مصطفی دانش‌پژوه (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار علمی: دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سیحان

قیمت: ۱۷۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱-ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۱۵ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر محصول بخشی از ترجمه های پراکنده مرحوم استاد دکتر نور علی نوری برای گروه های حقوق و علوم سیاسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه است که به وسیله حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی، مدیر وقت گروه حقوق، نگهداری و برای چاپ و انتشار در اختیار پژوهشگاه قرار گرفته و سپس به وسیله حجت الاسلام والمسلمین مصطفی دانش پژوه، عضو هیئت علمی گروه حقوق پژوهشگاه، تنظیم و صورتی کتاب مانند به خود گرفته و در نهایت با ویرایش حجت الاسلام والمسلمین دکتر اسماعیل نعمت اللهی، آماده چاپ و انتشار شده است. این کتاب می تواند به عنوان منبع پژوهشی برای استادان و دانشجویان رشته های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و حقوق به شمار آید که سایر علاقه مندان به این نوع مطالعات نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می داند از مرحوم دکتر نوری که زحمت اقتباس و ترجمه را پذیرفتند و نیز حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی که دست نوشته های مرحوم دکتر نور علی را حفظ و نگهداری نموده و زحمت مقابله اولیه را عهده دار شدند و همچنین حجت الاسلام والمسلمین مصطفی دانش پژوه که در سامان رساندن و تنظیم و فصل بندی ترجمه های پراکنده، سعی وافری نمودند و حجت الاسلام دکتر اسماعیل نعمت اللهی که زحمت ویرایش دقیق و امانت دارانه را تقبل کردند، تشکر و قدردانی نموده و برای مرحوم نوری، رحمت و مغفرت و برای دیگر عزیزان، دوام توفیقات را از خداوند متعال مسئلت نماید.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی
۷.....	سخن ویراستار
۹.....	پیشگفتار
۱۲.....	معرفی کتاب حاضر
۱۲.....	فصل اول: کلیات
۱۲.....	فصل دوم: جامعه شناسی سیاسی و فلسفه سیاست
۱۲.....	فصل سوم: اندیشه ها و مکتب ها سیاسی

فصل اول: کلیات

۱۳.....	۱. ایدئولوژی
۱۳.....	الف) منشأ و ویژگی های ایدئولوژی
۱۴.....	ب) ایدئولوژی در زمان حاضر
۱۵.....	ج) ایدئولوژی و مذهب
۱۷.....	د) ایدئولوژی فلاسفه قرن هفدهم انگلستان
۱۸.....	ه) ایدئولوژی و فلسفه جبر
۲۰.....	و) سیاست های ایدئولوژیک و سایر سیاست ها
۲۱.....	ز) ایدئولوژی، راسیونالیسم و رمانتیسم
۲۲.....	ح) ایدئولوژی و پراگماتیسم

۲۲	ط) ایدئولوژی و ایجاد خوف و وحشت
۲۴	ی) ایدئولوژی و روابط بین‌المللی
۲۵	۲. توضیح مفاهیم
۳۱	۳. فلسفه و ایدئولوژی
۳۳	۴. متدلوژی علوم اجتماعی
۳۶	۵. وجودمحوری [اگزستانسیالیسم]
۳۸	۶. اصالت رفتار
۴۵	۷. پدیدارشناسی
۴۶	۸. پدیدارشناسی وجودی
۴۹	۹. نقش روش‌های پدیداری و ساختاری در تکمیل تئوری دولت
۴۹	الف) مقدمه: علل سردرگمی علوم انسانی
۴۹	ب) تلاش کنونی و امیدهای آینده
۵۰	ج) حق با چه کسی است؟
۵۰	د) راه و چاره چیست؟
۵۱	(قسمت اول: انتظار ما از پدیدارشناسی)
۵۱	۱۰. منشأ پدیدارشناسی
۵۱	الف) دو انقلاب فکری
۵۱	ب) هگل در مقابل کانت
۵۲	ج) هگل در مقابل سقراط و افلاطون
۵۲	د) اثر این دیدگاه در تئوری دولت
۵۲	ه) جمع‌گرایی هگل
۵۳	۱۱. فنومنولوژی هوسرل
۵۳	الف) مقدمه
۵۳	ب) تحدید ماهوی
۵۴	ج) هوسرل در مقابل افلاطون
۵۴	د) ویژگی فلسفه ماهوی هوسرل
۵۴	ه) ماهیت دولت از نظر هوسرل
۵۵	۱۲. فنومنولوژی حقوق
۵۵	۱۳. فنومنولوژی سیاست

۵۶	۱۴. دولت از نظر میگل ریالی
۵۶	الف) ابعاد دولت
۵۶	ب) همبستگی این ابعاد
۵۷	ج) دینامیزم دولت
۵۷	د) نارسایی مفهوم حاکمیت
۵۸	ه) کارل یاسپرس
۵۸	و) نتیجه‌گیری
۵۸	ز) مارتین هایدگر
۵۹	(قسمت دوم: نقش روش ساختاری)
۵۹	۱۵. مقدمه: معرفی ساختارگرایی
۵۹	۱۶. انواع ساختارگرایی
۶۰	الف) دیدگاه ارگانیک
۶۰	ب) دیدگاه الگویی
۶۰	ج) دیدگاه ریاضی
۶۱	۱۷. تبیین ساختار
۶۱	الف) دینامیسم ساختار
۶۱	ب) ویژگی‌های ساختار
۶۱	ج) همبستگی در ساختار
۶۲	د) ساختار به‌عنوان سیستم در حال تحول
۶۲	ه) نقش انسان در ساختار
۶۲	و) دیدگاه‌ها درباره ساختار
۶۳	ز) ساختارگرایی در حقوق
۶۳	ح) اهمیت ساختارگرایی در سیاست
۶۴	۱۸. قداست و سیاست
۶۴	الف) سیاست زیربنا است
۶۵	ب) روان‌شناسی سیاسی
۶۵	ج) انقلاب
۶۵	د) روابط بین‌الملل
۶۶	ه) دیدگاه آلن

۱۹.	انسان‌شناسی و سیاست	۶۶
	الف) دولت	۶۶
	ب) ویژگی‌های دولت	۶۷
	ج) مشکلات ساختارگرایی در مقابل دولت	۶۷
	د) تحول و تطور دولت	۶۷
	ه) انسان عصر حاضر	۶۸
۲۰.	نارسایی ساختارگرایی و فنومنولوژی	۶۸
۲۱.	دولت به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها	۶۹

فصل دوم: جامعه‌شناسی سیاسی و فلسفه سیاست

۲۲.	دیباچه: تعریف و موضوع جامعه‌شناسی سیاست	۷۱
	الف) تعریف و موضوع جامعه‌شناسی سیاست	۷۲
	ب) جامعه‌شناسی و انتزاع کلی (تعمیم)	۷۳
	ج) مبانی و روش‌های جامعه‌شناسی سیاست	۷۳
۲۳.	فلسفه سیاست	۷۴
۲۴.	فایده فلسفه سیاست	۷۶
۲۵.	فلسفه سیاست در قرن بیستم	۷۷
	مقدمه	۷۷
۲۶.	اخلاق از دنیای سیاست رخت بر بسته است	۷۸

فصل سوم: اندیشه‌ها و مکتب‌های سیاسی

۲۷.	یک) مارکسیسم (دیدگاهی در زمینه انسان‌شناسی مارکس)	۸۱
	الف) معرفی کلی	۸۱
	ب) مسئله انسان در فلسفه مارکس	۸۴
	ج) «از خودبیگانگی» کارگر یا بیگانه‌سازی کار	۹۳
۲۸.	دو) فاشیسم	۱۱۳
	الف) ریشه‌های فلسفی فاشیسم	۱۱۳
	ب) فلسفه فاشیسم (دولت کاملاً بسته و خودکفا)	۱۱۴
۲۹.	سه و چهار) ویتالیسم [زیست‌گرایی] و الیتسیم [نخبه‌گرایی]	۱۱۵

۱۱۷	۳۰. (پنج) ماکیاولیسم
۱۱۷	الف) ماکیاولی و دیدگاه سیاسی او
۱۲۱	ب) دیدگاه سیاسی ماکیاولی
۱۲۴	ج) مکتب ماکیاولی
۱۳۰	د) سیاست از نظر ماکیاولی
۱۳۳	۳۱. (شش) نظریه سیاسی هابز
۱۳۴	۳۲. (هفت) آثارشیم
۱۳۴	الف) مقدمه
۱۳۵	ب) متفکران این مکتب
۱۳۶	ج) افکار آنارشیستی در انگلستان
۱۳۷	د) افکار آنارشیستی در فرانسه
۱۳۸	ه) افکار آنارشیستی در روسیه
۱۴۱	منابع و مآخذ
۱۴۳	نمایه‌ها

مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی

انقلاب اسلامی ایران موهبتی الهی بود که به صورت غیر منتظره و به دور از باور قدرت‌های حاکم بر شرق و غرب به رهبری امام خمینی ع بزرگ پرچمدار اسلام ناب محمدی در مرز و بوم ایران اسلامی تحقق یافت و فریاد عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی آن سراسر جهان را فراگرفت. این حرکت بنیادین برای وصول به اهداف عالی خویش همراه با شعار «لا تظلمون و لا تظلمون»، قبل از هر چیز نیازمند تحولی فرهنگی بود که تمامی علوم به‌ویژه علوم انسانی را که در نظام طاغوت به صورت اقتباسی از فرهنگ غربی و بیگانه از ارزش‌های اسلامی حاکم شده بود دگرگون ساخته و اسلام ناب محمدی را در این سرزمین استوار سازد.

از این‌رو رهبر کبیر انقلاب اسلامی، فرمانی در جهت تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و به دنبال آن فرمانی در جهت وحدت حوزه و دانشگاه و همکاری دانشگاهیان و حوزویان برای تدوین کتاب‌های درسی و کمک‌درسی صادر فرمودند و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم این مسئولیت را به عهده دو تن از اعضای ممتاز یعنی حضرت آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی و آیت‌الله سیدمحسن خرازی گذاشتند و با سعی و تلاش این دو بزرگوار و بالاخص استاد فرزانه علامه مصباح، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس گردید و گروه‌های حقوق و علوم سیاسی، اقتصاد، علوم تربیتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلامی تشکیل و جمعی از نخبگان حوزه و دانشگاه با اشراف علمی استاد مصباح، کتاب‌هایی ارزشمند در رشته‌های علمی فوق‌الذکر فراهم آوردند. در این میان، گروه حقوق و علوم سیاسی از اشراف علمی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

نیز برخوردار بود و تألیفات و دستاوردهای نخستین این گروه با مقدمه معظم له در سازمان سمت به چاپ رسیده است. قابل توجه اینکه این حرکت آغازین در حوزه علمیه با پیچیدگی مبانی علوم انسانی و به‌ویژه فلسفه حقوق و بینش متفاوت اندیشه اسلامی با آرای سکولار حاکم بر غرب مسیحی و شرق مارکسیستی و عدم تسلط محققان حوزوی به زبان لاتین و جز آن و عدم دسترسی به آرای اندیشمندان غرب و شرق، همراه بود که اقتضای آن را داشت که پاره‌ای از اساتید آشنا به زبان‌های خارجی و محتوای اندیشه سیاسی و حقوقی غربی و شرقی، به ترجمه تألیفات بزرگ‌ترین صاحب‌نظران غرب و شرق پرداخته و محققان حوزه و دانشگاه را در جریان فلسفه حقوق و سیاست و تحولات تاریخی آن قرار دهند.

خوشبختانه در گروه حقوق و علوم سیاسی دو تن از برجسته‌ترین چهره‌های علمی دانشگاه تهران یعنی آقایان: پروفیسور نورعلی نوری و استاد محمدحسین تمدن جهرمی دامن همت به کمر زده سنوایی طولانی گروه حقوق و علوم سیاسی را یاری دادند و متونی را به پیشنهاد گروه و احیاناً به انتخاب خود از منابع تألیفی چهره‌های برجسته حقوق و علوم سیاسی و دائرةالمعارف بریتانیکا، آمریکانا... ترجمه و اوراق انبوهی را در اختیار گروه قرار دادند و یا در جمع محققان حوزه و دانشگاه تقریر نمودند و به اتقان نسبی تألیفات یادشده افزودند.

نگارنده این سطور که از آغاز تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در جمع محققان این گروه حضور داشته و از سال ۶۱ تا ۷۵ افتخار مدیریت گروه را نیز داشته، به حکم تعهد فردی و جمعی خود تمامی دست‌نویس‌های این دو بزرگوار را تبویب و تجلید نموده و در فرصت‌های مختلف از آنها در تألیفات فوق‌الذکر و جز آن بهره‌مند بوده‌ام.

ولی پس از مراجعه مکرر و حصول اطمینان از دقت نظر و حفظ امانت علمی این دو بزرگوار به این اندیشه برآمدم که ترجمه‌های یادشده را که از متون اصیل و کمیاب در ایران اسلامی فراهم آمده، حداقل با تنظیم و تبویب ویژه‌ای در اختیار محققان و دانش‌پژوهان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جز آن قرار گیرد تا جمع گسترده‌تری از محتوای این متون بهره‌مند شوند.

این ایده مورد قبول مسئولان پژوهشگاه قرار گرفت و مقرر شد تا دست‌نویس‌های اساتید، تایپ و غلط‌گیری شده و با دسته‌بندی و فهرست موضوعی متناسب در اختیار پژوهشگران این

پژوهشگاه و دیگر مراکز تحقیقی قرار گیرد. و این کار بحمدالله با تلاش مدیران وقت گروه و به‌ویژه حجت الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه به صورت مطلوبی انجام پذیرفت و اینجانب نیز که آشنایی بیشتری با دست‌نویس‌های پروفیسور نوری و استاد تمدن داشتم در رفع ابهامات متن تا حد ممکن همراهی نمودم.

سرانجام با پیشنهاد مجدد حقیر و تشخیص صحیح گروه تصمیم بر این شد که آنچه از ترجمه‌های اساتید می‌تواند ترجمه کامل از متنی حقوقی و سیاسی به شمار می‌آید، به چاپ برسد و نسخ بیشتری از آن منتشر گردد و دیگر دست‌نویس‌های این دو که دارای این ویژگی نیست در نسخ معدودی زیراکس و در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

ناگفته نماند که ترجمه‌های استاد تمدن با استاد نوری در عین اتقان متن و صحت و حفظ امانت متناسب با ترجمه از جهاتی متفاوت است چه اینکه ترجمه‌های استاد نوری به صورت ترجمه آزاد ارائه شده و از کثرت و تنوع بیشتری برخوردار است، ولی ترجمه‌های استاد تمدن دقیق‌تر و برگردان واژه به واژه متن مؤلف است و در عین تنوع، احیاناً متن کاملی از نویسنده‌ای را دربر می‌گیرد، در حالی که در ترجمه‌های دکتر نوری، به جز یک مورد، چنین ترجمه کاملی وجود ندارد.

فی‌المثل استاد تمدن کتاب «نظریه محض حقوق و دولت» نوشته هانس کلسن اتریشی‌الاصیل و آمریکایی‌الوطن را تقریباً از دو متن انگلیسی و فرانسوی به صورت کامل ترجمه کرد که در سال ۱۳۹۴ به وسیله «سمت» و «پژوهشگاه» چاپ و منتشر شد.

بی‌مناسبت نیست در این مقال اجمالی از بیوگرافی و شرح زندگی استاد فرزانه پروفیسور نورعلی نوری گزارش شود که علاقه‌مندان و پژوهشگران ارجمند با اطمینان بیشتر از مطالعه این جزوات بهره‌مند و در آثار خویش بدان استناد نمایند.

* پروفیسور نوری متولد ۱۳۰۴ در شهرستان نائین روستای نیستانک، پس از دوره ابتدایی وارد دارالفنون تهران شد و دوره متوسطه را به پایان رسانید و لیسانس و فوق لیسانس را در دانشکده معقول و منقول دانشگاه الهیات تهران به انجام رسانیده و با احراز رتبه اول کنکور ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی و شیمی عازم فرانسه شد و سپس به اخذ درجه دکتری در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی، آمار و اقتصاد همت گماشت و همزمان با کار در سفارت ایران در فرانسه،

سرپرست کل دانشجویان ایرانی در اروپا بود. وی در سال ۱۹۶۸م، از دانشگاه پاریس دکترای عالی بیمه دریافت نمود.

او پس از سنواتی متممادی از فرانسه به میهن اسلامی ایران مراجعت نمود و در دوران پیش از انقلاب سمت‌های مهم علمی و فنی بسیاری را مانند معاونت علمی وقت بیمه ایران و سازمان همکاری‌های منطقه (RCD)، محقق مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، قائم‌مقام فنی بیمه ایران، قائم‌مقام بیمه‌ای توسعه در کشورهای پاکستان، ترکیه، و ایران (اکوی فعلی) قائم‌مقام سازمان آسیایی، آفریقایی بیمه و استاد پول و بانکداری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) بوده و صدها مأموریت علمی، فرهنگی و دانشگاهی به کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه و پاکستان داشت.

* این بزرگوار در عین تسلط به زبان‌های مختلف انگلیسی و فرانسه و آلمانی و آشنایی با زبان عربی، استاد رسمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بوده و در مراکز علمی متعدد دیگری نیز تدریس داشته‌اند و در کتاب Who's Who (دائرةالمعارف مشاهیر جهان) از ایشان یاد شده است. پروفسور نوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ در جمع محققان حوزه و دانشگاه حضور یافت، از بدو تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با گروه حقوق و علوم سیاسی همکاری داشت و به پیشنهاد گروه و اصرار نگارنده مسئولیت ترجمه متونی متناسب با کار گروه را از زبان‌های مختلف عهده‌دار شد و طی سنواتی متممادی نوعاً هفته‌ای دست کم بیست صفحه ترجمه از آثار مشاهیر دانشمندان حقوق و سیاسی و... در اختیار محققان گروه قرار می‌داد.

وی که در این دوران بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران با رتبه استاد عالی بود همزمان با همکاری در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به تدریس در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، امام صادق ×، آزاد اسلامی، مدرسه عالی بازرگانی و... نیز اشتغال داشت و بیش از نیم قرن افتخار تدریس در دانشگاه تهران و جز آن را داشته است.

سر انجام، پروفسور نوری که انسانی عاطفی، وفادار و دوست‌داشتنی بود در اسفند ماه سال ۱۳۸۷ دچار ایست قلبی شد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. جنازه وی از دانشگاه امام صادق × و دانشگاه تهران تشییع و در قطعه نویسندگان و هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

مقدمه حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیمی ۵

در پایان، برای این بزرگوار شادی روح و علو مقام اخروی را آرزومندم. امید آنکه محققان حوزه و دانشگاه ضمن بهره‌مندی از آثار این بزرگوار، همانند آنان عهد خویش را در تحقیق و تدریس سپری نموده و آثار گران‌بهایی مانند آنان از خود به یادگار گزارند و در صورت امکان ترجمه‌های ناقص آنان را با دریافت متن اصلی تکمیل نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد ابراهیمی

سخن ویراستار

ویرایش، و به عبارت بهتر دست‌کاری در، اثر نویسنده یا مترجمی بدون اذن وی کار پسندیده‌ای نیست و این نکته در مورد صاحب اثری که از دنیا رفته و نمی‌تواند این ویرایش‌ها و دست‌کاری‌ها را ببیند و رضایت یا نارضایی خود را اعلام دارد، مصداق بیشتری می‌یابد. به هر حال، کارهایی که از سر ضرورت در این اثر صورت گرفت، به شرح زیر است:

۱. هدف اصلی از واگذاری از ویرایش این اثر به اینجانب، بررسی و ضبط آعلام و برخی واژه‌های لاتین و انتقال آنها به پاورقی و نیز بررسی منابع و ارجاعات در پاورقی بود. با توجه به این که تقریباً هیچ یک از منابع مورد استفاده مرحوم نوری در دسترس اینجانب نبود و از آن مهم‌تر این که هم و غم ایشان ارائه یک ترجمه مفهومی بوده است و نه ترجمه تحت‌اللفظی، ویرایش متن از این لحاظ عمدتاً با مراجعه به منابع و سایت‌های اینترنتی صورت گرفت و موفقیت آن تا حدی است که منابع در اینترنت وجود داشت. از این رو، ضبط اندکی از اسامی و منابع با مشکل مواجه شده است.

۲. از آنجا که متن‌های باقیمانده از آن مرحوم، به صورت نسخه‌های دستنویس، و اغلب به صورت کپی، بود و تایپ این اثر هم از روی همان‌ها صورت گرفته بود، بدیهی است که اشتباهات و اشکالات زیادی در تایپ آنها واقع شده بود و وقت زیادی برای اصلاح آنها صرف شد. البته این کار صرفاً با توجه به متن تایپ‌شده انجام گرفت نه مقابله کل متن تایپ‌شده با نسخه‌های دستنویس، اما در مورد واژه‌ها و جملاتی که به ظاهر دچار مشکل بود، به متن دستنویس نیز مراجعه شد.

باید متذکر شد که چون ترجمه‌های موجود در جزوه‌های پراکنده‌ای قرار داشت و احیاناً در برخی موارد جاافتادگی‌هایی وجود داشت، خواننده در مواردی با مطالب یا جملات مبهم یا ناتمام مواجه می‌شود. حفظ امانت اقتضا می‌کرد که این موارد به همان صورت آورده شود. برخی از این موارد با گذاشتن علامت سوالی در قلاب [؟] مشخص شده‌اند.

۳. پاورقی‌هایی برای توضیح افزوده شد و برای تمایز آنها از پاورقی‌های مترجم، دسته اول با نشانه [ن] و دسته دوم با نشانه [مترجم] در پاورقی مشخص شده‌اند.

به هر ترتیب، امید می‌رود که این ویرایش‌ها و دستکاری‌ها موجبات شادی روح مرحوم نوری را فراهم کند.

اسماعیل نعمت‌اللهی

پیشگفتار

در مقدمه حجت الاسلام والمسلمین استاد ابراهیمی، به چگونگی شکل گیری این اثر و دیگر آثار مرحوم دکتر نوری، اشاره شد. اشاره به چند نکته دیگر نیز مفید به نظر می رسد:

۱. این آثار نه به عنوان ترجمه‌هایی کاملاً رسمی و فنی برای چاپ و انتشار، بلکه ترجمه‌ای سریع و عمدتاً مضمونی و صرفاً برای آشنایی فضیلابی حوزوی با آثار غربی بوده است، از این رو نباید به این ترجمه‌ها به چشم یک ترجمه رسمی و فنی نگریست، گرچه تبحر استاد در ترجمه، و اعتبار منابع موضوع ترجمه، انتشار آنها را برای استفاده محققان حقوق و علوم سیاسی موجه و مرجح می سازد.

۲. به دلیل فوق، دست‌نوشته ترجمه‌های مذکور، هیچ‌گاه تایپ نشده و صرفاً کپی آن در اختیار اعضای گروه قرار می‌گرفت؛ که خوشبختانه ترجمه‌های مذکور درباره حقوق و سیاست به وسیله یکی از همکاران فعال هسته‌های اولیه و مدیر وقت گروه حقوق دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد ابراهیمی حفظ و از گزند مفقود شدن، مصون ماند.

۳. اصیل و دست اول بودن بیشتر متون اصلی موضوع ترجمه، شیوایی، رسایی و اتقان ترجمه‌ها، سودمند بودن ترجمه‌ها حتی برای غیر مخاطبین اصلی و اولیه آن در سال‌های ترجمه، و نیز زنده نگه داشتن یاد و خاطره مرحوم دکتر نوری از طریق زنده نگه داشتن یادگارهای ویژه‌اش برای پژوهشگاه، سبب شد که شورای علمی گروه حقوق و در نتیجه پژوهشگاه با پیشنهاد حجت الاسلام والمسلمین استاد ابراهیمی برای چاپ و انتشار ترجمه‌های مذکور، با موافقت نماید.

۴. بدین منظور، دست‌نویست ترجمه‌ها، تایپ و سپس مقابله شد. مواردی که خواندن دست‌نویسته دشوار بود تا حد زیادی با کمک استاد ابراهیمی - که با خط مرحوم مترجم آشنا بود - کار به سرانجام می‌رسید. اما آنجا که مشکل ناخوانایی همچنان باقی می‌ماند و قرائن هم به روشنی آن کمک نمی‌کرد، بخاطر اجتناب از تأخیر بیشتر به حذف غیر مخّل و نشان‌دار با علامت چند نقطه (...) - بسنده شد و مراجعه به متون اصلی و تنقیح هرچه بهتر آن به عهده محققان پژوهشگاه، در فرصت‌های دیگر قرار گرفت.

۶. پس از اعمال اصلاحات اولیه، یک بار دیگر تمام متن هر دو بخش به دقت مطالعه شد و اصلاحات فراوان دیگری (بیشتر تصحیح اغلاط تایپی و اندکی هم ویرایش و پیرایش) انجام شد که وقت فراوانی از راقم این سطور را به خود اختصاص داد. در این مرحله احساس شد که هنوز این مجموعه، چندان قابل چاپ و انتشار نیست و نیازمند نوعی ویرایش است که این مهم برعهده فاضل دقیق و نکته‌سنج، جناب حجت الاسلام و المسلمین، آقای دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی قرار گرفت و با زحمت فراوانی که ایشان متقبل شدند، این بخش از این نوشته‌ها، آماده چاپ و نشر شد.

۷. همان‌گونه که گفته شد از آنجا که ترجمه‌های مذکور، تنها برای رفع نیازهای هسته‌های مطالعاتی پیش‌گفته بود و از ترجمه‌های پراکنده کوتاه یک صفحه‌ای تا ترجمه‌های بلند چندین ده‌صفحه‌ای را از منابع مختلفی که در دسترس مترجم محترم بوده؛ از دائرةالمعارف‌ها تا کتاب‌ها و مقالات تخصصی شامل می‌شود، مجموعه‌ای یک‌دست را که به همان صورت قابلیت چاپ و انتشار داشته باشد را فراهم نمی‌آورد. بنابراین برای آماده‌سازی آنها برای انتشار، پس از تایپ و مقابله اولیه، نخست با مروری اجمالی، مجموعه ترجمه‌ها به دو دسته ترجمه‌های حقوقی و ترجمه‌های سیاسی تحت دو عنوان «درباره حقوق» و «درباره سیاست» تقسیم شد و البته این به معنای صرفاً حقوقی یا صرفاً سیاسی بودن محتوای هر یک از دو دسته نبود، بلکه به این معنا بود که بیشتر ترجمه‌ها حقوقی یا سیاسی است یا صبغه حقوقی یا سیاسی آن غالب است.

در ضمن این مطالعه دقیق معلوم شد که ترجمه‌های سیاسی خود دو بخش است، بخشی که ترجمه‌های پراکنده و از منابع مختلف است و دیگری که ترجمه‌ای از یک کتاب خاص به نام «جوهر/ ماهیت سیاست» می‌باشد. بدین جهت تصمیم گرفته شد که مجموعه این ترجمه‌ها با

سه عنوان مستقل و در قالب سه کتاب منتشر گردد: ۱. «درباره حقوق»؛ ۲. «درباره سیاست» (کتاب حاضر)؛ ۳. «جوهر/ ماهیت سیاست».

۸. هرچند منطقی و مطلوب آن بود که ترجمه‌ها با متن مقابله می‌گشت، اما انجام این کار، بخاطر آنکه فقط برخی متون اصلی در کتابخانه پژوهشگاه، وجود داشت و فراهم آوردن همه متون فرصتی ویژه می‌طلبید، از این رو، با توجه به مقام علمی و تسلط مترجم محترم به دو زبان مبدا و مقصد و محتوای مطالب، به ترجمه ایشان اعتماد شد و ترجمه‌های ایشان عیناً و با توجه به نکات پیش‌گفته در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. امید آنکه در فرصت‌های مناسب محققان پژوهشگاه و دیگر علاقه‌مندان این نقص را جبران نمایند و احیاناً با تکمیل ترجمه پاره‌ای از متون که استاد نوری بخش گسترده‌ای از آن را ترجمه نموده متنی کامل ارائه نمایند؛

۹. نکته بسیار مهم دیگر آنکه محتوای این نوشته‌ها، دیدگاه نویسندگان غربی آنها است که ربطی به مترجم محترم، راقم این سطور و پژوهشگاه ندارد. بنابراین آنجا که نویسندگان متون اصلی و مبدأ درباره دین و مذهب سخن گفته‌اند یا از رابطه دین و مذهب با حقوق و سیاست حرف زده‌اند و حتی گاه آنجا که به تعریف و تبیین حقوق و سیاست پرداخته‌اند، مواردی وجود دارد که به شدت قابل ملاحظه، انتقاد، خدشه و تحشیه است که به دلیل کثرت موارد و قلت وقت از پرداختن به آن - به‌رغم قصد اولیه - انصراف حاصل شد و به یادآوری این نکته بسنده گشت که نگاه نویسندگان غربی به دین غالباً و معمولاً - و نه همه و همیشه - نگاهی حداقلی است، زیرا آنان دین و مذهب را نه به‌عنوان یک حقیقت متعالی شامل، بلکه به‌عنوان پدیده و نهادی اجتماعی و حداکثر به‌عنوان مجموعه عقاید و مناسکی سکولار و حداقلی، مورد مطالعه قرار می‌دهند. بدیهی است چنین نگاهی به دین و مذهب، غیر از آنکه در کلیت خود نادرست است، به‌ویژه در رابطه با اسلام به‌هیچ‌وجه قابل تطبیق نیست. بنابراین خوانندگان محترم می‌بایست با فطانت و توجه به دیدگاه اسلامی خود نسبت به دین، مذهب، حقوق، سیاست و رابطه آنها با یکدیگر و با دیدگاهی انتقادی به مطالعه این بخش‌ها بپردازند.

امید آنکه انتشار این آثار، یادگاری سودمندی برای مترجم محترم، زنده‌یاد دکتر نورعلی نوری & باشد که در حد و اندازه خود، نام او را زنده نگاهدارد و مطالعه آن پژوهشگران عرصه حقوق و سیاست را مفید افتد.

معرفی کتاب حاضر

در این کتاب: «درباره سیاست»، مجموعه ترجمه های پراکنده ای که از منابع متعدد و گوناگونی اقتباس شده و ماهیتی سیاسی داشته و یا صبغه سیاسی آن ها غلبه دارد، در سه فصل، بدین ترتیب سامان یافته است:

فصل اول: کلیات

ترجمه هایی در این فصل گردهم آمده اند که از نوعی کلیت، شمول و ویژگی مقدماتی بودن برخوردارند، با عناوینی همچون: ایدئولوژی، فلسفه و ایدئولوژی، وجود محوری و اگزیستانسیالیسم، اصالت رفتار، پدیدار شناسی و مسائل مربوط به آن، به ویژه در رابطه با دولت، و سرانجام دولت به عنوان مجموعه ای از ارزش های اگزیستانسیالیست.

فصل دوم: جامعه شناسی سیاسی و فلسفه سیاست

این فصل پس از دیباچه ای درباره مطالعه جامعه شناختی سیاست، به تبیین فلسفه سیاست، فایده فلسفه سیاست، فلسفه سیاست در قرن بیستم و جدایی و فرار سیاست از اخلاق می پردازد.

فصل سوم: اندیشه ها و مکتب ها سیاسی

در این فصل ترجمه هایی آمده است که به مطالعه، معرفی و بررسی اندیشه ها و مکتب های مهم سیاسی، از جمله: مارکسیسم، فاشیسم، ویتالیسم، الیتیسم، ماکیاولیسم و آنارشیسم، اختصاص دارد.

فصل اول

کلیات

۱. ایدئولوژی^۱

ایدئولوژی یک نوع فلسفه اجتماعی یا فلسفه سیاسی است که در آن همان اندازه به عمل توجه می‌شود که به علم. به دیگر سخن، این فلسفه به همان اندازه که به تبیین جهان هستی می‌پردازد، به تغییر آن نیز همت می‌گمارد.

الف) منشأ و ویژگی‌های ایدئولوژی

مبتکر این واژه آنتوان دستوت دو تراسی،^۲ فیلسوف فرانسوی است. مقصود وی از این واژه «علم و اندیشه‌شناسی» است و به منظور اختصار از این کلمه استفاده کرد. این فیلسوف فرانسوی محتوای علم جدید یعنی اندیشه‌شناسی را براساس تعالیم جان لاک^۳ و دوکاندیلاک^۴ استوار ساخت که همه شناخت بشری را شناخت اندیشه می‌دانستند. باید مخصوصاً این نکته را خاطر نشان کرد که این فیلسوف فرانسوی بی‌آنکه صریحاً اذعان نماید، بیش از هر چیز تحت تأثیر روش فرانسیس بیکن قرار گرفته^۵ که شناخت را فقط برای شناخت نمی‌خواست؛ بلکه برای بهبود زندگی نوع بشر

۱. اقتباس از ص ۱۹۴-۱۹۸، دائرةالمعارف بریتانیکا (ج ۹) و ص ۴۹۳، ج ۳ ضمیمه آن، به قلم موريس کرانستون (Maurice

Cranston). استاد علوم سیاسی دانشگاه لندن (LSEPS).

2. Antoine Destutt de Tracy (1754-1836)

3. John Locke

4. Étienne Bonnot de Condillac (1714-1780)

5. Francis Bacon (1561-1626)

در این دنیا آن را لازم می‌دانست و «اندیشه‌شناسی» او، برخلاف سایر سیستم‌های فلسفی که هدفشان فقط تبیین واقعیت‌ها بود، تسلط به جهان مادی و معنوی را دنبال می‌کرد. به همین مناسبت این «ایدئولوگ» و پیروانش نظامی فرهنگی را برای فرانسه تجسم کردند که بتواند این کشور را به صورت جامعه‌ای علمی و عقلانی درآورد.^۱

ناپلئون از ابتدا با افکار این مکتب، که ضمن دفاع از آزادی فرد برنامه‌ریزی دولت را تشویق می‌کرد، موافق بود (در سال‌های ۱۷۹۵-۱۷۹۹، برنامه کار «دیرکتوار»^۲، افکار این مکتب بود؛ ولی از سال ۱۸۱۲ مورد غضب ناپلئون قرار گرفت که شکست‌های نظامی فرانسه را به این عقاید نسبت می‌داد. از همان ابتدای امر ایدئولوژی از یک سو مورد علاقه افراطی طرفداران آن و از سوی دیگر موضوع نفرت شدید ناپلئون و سایر مخالفان آن قرار گرفت و کلمه ایدئولوژی، این ویژگی را تا زمان حاضر در کلیه ممالکی که با آن (یا با ترجمه آن) سروکار داشته‌اند، حفظ کرده است.^۳

ب) ایدئولوژی در زمان حاضر

عده‌ای از تاریخ‌دانان، فلسفه قرن نوزدهم را عصر ایدئولوژی نام نهاده‌اند؛ زیرا افزون بر اینکه این کلمه بیش از دیگر کلمات فلسفی به کار رفته است، روحیه‌ای را به وجود آورده است که می‌توان آن را روحیه ایدئولوژی‌گرایی نامید و در قرون قبل چنین روحیه‌ای وجود نداشته است. در حال حاضر، ایدئولوژی جنجالی‌ترین کلمه است و با اینکه مفهوم دقیق و همه‌پسندی برای آن وجود ندارد، مورد بحث همه فلاسفه اجتماعی و سیاسی و علمی است که علوم انسانی نامیده می‌شوند.

1. Antoine Louis Claude, Comte Destutt de Tracy (1754-1936)

فیلسوف، نظامی و مؤسس مکتب ایدئولوژی، عضو شورای انقلاب فرانسه، عضو آکادمی فرانسه (۱۸۰۸) و سناتور (در زمان ناپلئون)، عضو شورای سلطنتی. آثار او: کلیات ایدئولوژی (۱۸۰۱-۱۸۱۵) و دوازده اثر دیگر، از جمله تفسیری از روح القوانين منتسکیو که تامس جفرسون (Thomas Jefferson) آن را در سال ۱۸۱۱ [با عنوان: A Commentary and Review of Montesquieu's Spirit of Laws به انگلیسی] ترجمه کرد.

۲. انجمن گردانندگان یا دیرکتوار (Directoire Exécutif) رژیمی که از ۲ نوامبر ۱۷۹۵ میلادی تا ۱۰ نوامبر ۱۷۹۹ در کشور فرانسه قدرت را در دست داشت [ن].

۳. ناگفته نماند که دوتراسی در ابتدای امر آن را به صورت کاملاً بی‌طرف مطرح و بررسی کرده است و برخلاف آنچه بعداً به وقوع پیوسته، مطلقاً آن را به صورت احساساتی و انگیزه‌ای عنوان نکرده است.

در وسیع‌ترین معنای این کلمه، هر نظریه یا عقیده‌ای که به صورتی عمل‌گرا باشد، ایدئولوژی نامیده می‌شود و بر هر نوع دخالتی در امور سیاست که بر مبنایی فکری تکیه کند، چنین مَهری زده می‌شود. معنای محدودتر، و به همین مناسبت دقیق‌تر، کلمه که خیلی نزدیک است به آنچه واضح آن بیان کرده، پنج ویژگی دارد:

۱. بیانی است که با کم‌ویش دقت و امعان نظر، حیات محسوس انسان و همچنین جهانی را که در آن قرار دارد توضیح می‌دهد؛

۲. برنامه‌ای موجز و کلی درباره تنظیم حیات اجتماعی و سیاسی بشر یا جوامع بشری ارائه می‌دهد؛

۳. اجرای این برنامه را به صورت مبارزه‌ای اجتماعی و سیاسی تلقی می‌کند؛

۴. به تبیین و متقاعد کردن افراد اکتفا نکرده، تلاش می‌کند تعداد هر چه بیشتر وفادارانی متعهد به آنچه ارائه می‌دهد، دست و پا کند؛

۵. بالأخره با اینکه طرف صحبت توده مردم است، رهبری را به عهده تعداد محدودی روشنفکر به نام‌های مختلف می‌گذارد و آنان را از دیگران متمایز می‌کند.

در این مقاله، ایدئولوژی به معنای محدود پیش‌گفته به کار می‌برد؛ ولی صفت مشتق از آن، یعنی ایدئولوژیک (به غلط «ایدئولوژیکی») به معنای وسیع که پیشتر به آن اشاره شد، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

با توضیحات فوق هر یک از مکاتب معروف غرب در دو قرن اخیر، یعنی از زمان انقلاب فرانسه تا حال حاضر، یعنی زمانی که معتقدات غیر مذهبی به تدریج جای معتقدات مذهبی را گرفته است، یک ایدئولوژی با رنگ و ویژگی مختص آن مکتب است. اهم این مکاتب پوزیتیویسم آگوست کنت، کمونیسم و اشکال مختلف سوسیالیسم، فاشیسم، نازیسم، و بعضی از اشکال ناسیونالیسم است.

ج) ایدئولوژی و مذهب

با اینکه گاهی ایدئولوژی را با مذهب مشابه و قابل مقایسه می‌دانند، باید اذعان کرد وجوه افتراق این دو به مراتب بیش از وجوه تشابه آنها است. از این دیدگاه که ایدئولوژی و مذهب هر دو ذوجنبتین هستند (یعنی هم به شناخت کار دارند و هم به عمل) مشترکند.

اهم اختلاف این دو به شرح زیر است:

۱. مذهب برخلاف ایدئولوژی که این جهانی است، پیش از هر چیز به خدا متکی است و همه چیز را از او می‌داند؛
 ۲. با اینکه بعضی از مذاهب به جامعه‌ای که در آن عدالت حکم‌فرما باشد، توجه دارند، نمی‌توان گفت که مذهب در درجه اول هدف خود را سیاست اجتماعی قرار می‌دهد؛ در صورتی که نخستین و مهم‌ترین برنامه هر ایدئولوژی تنظیم یک برنامه سیاست عملی برای جامعه است و به هیچ وجه به آنچه اساس کار مذهب (یعنی ایمان به خدا و پرستش او و گرایش به طرف معنویات و مخصوصاً روح و تزکیه آن است) بر آن نهاده شده کار ندارد [به عبارت دیگر، ایدئولوژی منحصرأ برون‌گرا و این‌دنیایی است در حالی که مذهب درون‌گرا و آن‌دنیایی است]؛
 ۳. ایدئولوژی همیشه منحصر به یک گروه، طبقه یا قوم است؛ در صورتی که مذهب طبیعتاً بشری و جهانی است؛
 ۴. اساس و مبنای مذهب وحی است؛ در صورتی که ایدئولوژی (هرچند به غلط) خود را ساخته و پرداخته فکر و عقل بشری می‌داند؛
 ۵. بالأخره یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ایدئولوژی و مذهب در این است که مثلاً هر مسلمان‌زاده‌ای مسلمان حساب می‌شود، مگر اینکه اعراض خود از دین آبا و اجداد خود را به صورتی علنی کند؛ در صورتی که در مورد ایدئولوژی به هیچ وجه این اصل پذیرفته نیست و اصل این است که القای ایدئولوژی نباید در سال‌های طفولیت صورت گیرد؛ زیرا چنین القایی نمی‌تواند آن‌طور که باید، در مراحل سنی بالاتر به صورت حادّ بروز نموده و وسیله عمل قرار گیرد (مانند میکروبی که دوره حادّ عمل خود را گذرانده و پس از آن مرض به صورت مزمن درمی‌آید که دیگر خطر دوره حاد را ندارد).
- با وجود این، گاهی مذاهب به صورت ایدئولوژیکی درمی‌آیند و مثال بارز آن کاری است که ساؤنارولا،^۱ در فلورانس نیمه دوم قرن پانزدهم، با مذهب مسیح کرد و خلاصه آن از این قرار است:

۱. این کشیش ایتالیایی در سال ۱۴۵۲ متولد شد و نام کامل او گیرولا ما ساؤنارولا (Girolamo Savonarola) است، بر اثر رویه غیر قابل قبول خود در سال ۱۴۹۸، به جرم الحاد در آتش سوخت و ماکیاولی از او درس مهمی آموخت.

۱. به نظر او، جامعه مسیحی باید سعی کند بهشت را در همین دنیا بسازد؛
۲. برای رسیدن به این هدف در نظر داشت از راه تحریک و تهییج عوام الناس، حکومت وقت را عزل کند و با دست گرفتن زمام امور، زندگی اجتماعی و اقتصادی فورانس را حیات تازه‌ای بخشد.

رسیدن به این هدف فقط از طریق مبارزه پیش‌بینی شده بود و این مبارزه شامل دو نوع برنامه بود:
الف) مبارزه علنی با پاپ و افشاگری خلافت‌کاری‌ها و فسادهای او از هر لحاظ؛
ب) مبارزه با نفس برای راندن هوا و هوس‌ها و وسوسه‌های شیطانی.
با اینکه ساونارولا هوادارانی متعدد پیدا کرد، برنامه او عملی نشد؛ ولی فکر او، یعنی ایدئولوژیک کردن مذهب مسیح، سبب شد که جنب‌وجوش جدیدی در مسیحیت پیدا شود و تمام جریان‌های رفورم و ضد رفورم از او سرچشمه گرفت که خون تازه‌ای در مسیحیت روان کرد و سبب شد تعداد بیشتری به این مذهب که شاخ و برگ‌های جدیدی پیدا کرده بود بپیوندند.

د) ایدئولوژی فلاسفه قرن هفدهم انگلستان

با اینکه اعدام ساونارولا درس مهمی برای ماکیاولی بود، آثار این نویسنده به قدری غنی از مایه‌های ایدئولوژیک است که می‌توان او را عملاً پدر ایدئولوژی شناخت. مورخانی که این سیاستمدار را ضد اخلاق می‌پندارند، توجه ندارند که ماکیاولی در درجه اول به دنبال ایدئال خود که جمهوری بود می‌رفت و روسو به خوبی این حقیقت را درک کرده است؛ زیرا اثر معروف او، یعنی سلطان،^۱ را کتاب رسمی جمهوری معرفی می‌کند. ماکیاولی می‌خواست ایتالیای زمان خود را که وحدت و یکپارچگی خود را از دست داده بود، به صورتی آبرومند، یعنی روم قدیم درآورد و برای این کار جز انقلابی که همه دشمنان این وحدت را از بین ببرد، راهی نمی‌دید. ماکیاولی اولین کسی است که ایدئولوژی را با انقلاب و تندروی‌های آن، یعنی خونریزی و بی‌رحمی مترادف می‌بیند؛ ولی علم‌گرایی او مانع از این است که این فکر را به صورت عمل درآورد و عملاً نقش ایدئولوگ را ایفا نماید.

۱. Le Prince. این کتاب در فارسی به «شهریار» ترجمه شده است. مترجم در جاهای دیگری از همین متن آن را به «حاکم» ترجمه می‌کند [ن].

در انگلستان قرن هفدهم، سیاست به تدریج مایه ایدئولوژیک به خود گرفت؛ زیرا تغییرات انقلابی و سریع این قرن نیاز به توجیه این حرکت‌ها و جنبش‌ها داشت. نخستین فیلسوف بنام انگلیسی که در زمینه توجیه حقوق فردی در مقابل استبداد به نحو مؤثری قلم‌فرسایی کرد، جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) است.^۱ در این قرن نویسندگان در دو جهت ایدئولوژی را در سیاست دخالت دادند:

۱. سیستم‌گرایی سبب شد به اصولی توجه شود که بر نظام‌های حکومتی و سیاسی حکمفرما است و این اصول کم‌وبیش رنگ ایدئولوژیک به خود می‌گرفت؛
۲. در بحث‌های مربوط به سیاست به تدریج مفاهیمی نظیر عدالت، حق، آزادی و غیره به کار می‌رفت و همه سیاست‌ها را بر معیار این مفاهیم مورد قضاوت و سنجش ارزشی قرار می‌دادند.

ه) ایدئولوژی و فلسفه جبر

یک **هگل و مارکس**: برخلاف مفهومی که دوتراسی برای کلمه ایدئولوژی در نظر گرفته بود و در حال حاضر نیز همین مفهوم از این کلمه مستفاد می‌شود، در فلسفه هگل و مارکس، ایدئولوژی به معنای «برداشت غلط»^۲ مردم از واقعیات است. به نظر هگل، جبر تاریخ شرایطی را به وجود می‌آورد که قابل تغییر نیست و عمل هر کس را الزاماً این شرایط مشخص و معین می‌کنند و کسانی که فکر می‌کنند که می‌توانند این واقعیات را، که فقط فیلسوف می‌تواند به خوبی آنها را درک کند، تغییر دهند، در اشتباه هستند؛ البته این دیدگاه مورد قبول کسانی که در گود عمل وارد می‌شوند، نیست و هگل را به ارتجاع و محافظه‌کاری محکوم می‌کنند.

مارکس از این کسان است و در کتاب ایدئولوژی آلمانی^۳ و آثاری که پیش از آن نوشته است، ایدئولوژی به این معنا^۴ را باطل می‌شمرد. خلاصه اینکه هگل و مارکس هر کدام با دیدگاه خود [هگل مخالفت با عمل انقلابی؛ مارکس طرفداری از عمل انقلابی] کسانی را که دیدگاه دیگری

۱. جان لاک کتابی تحت عنوان دو رساله درباره حکومت (*Two Treatises of Government*) در سال ۱۶۹۰ منتشر کرد.

۲. انگلیسی این عبارت "False consciousness" است که می‌توان آن را آگاهی یا شناخت غلط (عقیده باطل) نیز ترجمه کرد.

3. *The German Ideology* (German: *Die deutsche Ideologie*) (1846).

۴. یعنی معتقداتی که شخص به وسیله آنها وضع موجود را همان‌طور که هست، قبول داشته باشد (آنچه به نظر هگل صحیح بود).

داشتند، تخطئه کرده و به آن نقطه نظر مهر لکه‌دار ایدئولوژی می‌زدند. باید در این زمینه یادآور شد که مارکس همیشه ایدئولوژی را به این معنای لکه‌دار به کار نمی‌برد و گاهی هم ایدئولوژی را مطابق با واقع می‌بیند. مارکسیت‌های معاصر که خود مارکسیسم را یک ایدئولوژی معرفی می‌کنند، برداشت پیش‌گفته مارکس را ملاک قضاوت خود قرار می‌دهند به طوری که در بعضی از کشورهای کمونیستی مؤسساتی با نام «سازمان ایدئولوژیک» به وجود آورده‌اند و حتی فلاسفه خود را که معمولاً نقش ایدئولوگ حزب را ایفا می‌کنند، «مسئول ایدئولوژی حزب» می‌نامند و می‌توان گفت که در حال حاضر اُسوه^۱ ایدئولوژی است.

دو) جامعه‌شناسی شناخت: ایدئولوژی به معنای «عقیده باطل» را دیگران و به‌ویژه پیروان مکتب جامعه‌شناسی شناخت، نظیر ماکس وبر^۲ و کارل مانهایم^۳ نیز به کار برده‌اند. این گروه ایدئولوژی را به معنای نظام فکری^۴ حاکم بر جامعه یا بر گروهی از جامعه می‌گیرد و منشأ آن را منفعی می‌داند که باید از طرف جامعه‌شناسی بررسی و کشف شود [علی‌الظاهر این منافع که سعی می‌شود در اختفا و پرده‌پوشی قرار گیرد، بر هر کس معلوم نیست]. در این دیدگاه مثلاً «علم اقتصاد» آدم اسمیت که ایدئولوژی به این معنای کلمه است، به‌هیچ‌وجه علم نیست و نمی‌تواند واقعیت یا حقیقتی را نشان دهد؛ بلکه ایدئولوژی سرمایه‌داری است که منافع طبقه بورژوا را دربردارد.

در این زمینه فکری، جامعه‌شناسی شناخت از روان‌شناسی فروید استفاده می‌کند و ایدئولوژی به معنای «تصور باطل» را منافع گروهی می‌داند که به‌طور ناخودآگاه به صورت تعقل و استدلال علمی [ولی قلابی] بروز کرده است.

مزیت دیدگاه اخیر بر دیدگاه قبلی این است که مثلاً برخلاف آن آدم اسمیت را متهم به مروج اخلاق بورژوازی نمی‌کند؛ بلکه او را ناخودآگاه در خدمت بورژوازی، یعنی سرمایه‌داری تلقی می‌کند. این دیدگاه، خود فروید را هم ناخودآگاه در خدمت سرمایه‌داری می‌داند؛ زیرا روش او برای معالجه کسانی است که از نظام سرمایه‌داری روحاً صدمه دیده‌اند و باید طوری معالجه شوند که دنیای سرمایه‌داری را همان‌طور که هست بپذیرند.

1. paradigm
2. Max Weber
3. Karl Mannheim (1893-1947)

۴. صحیح‌تر آن سیستم فکری است.

مخالفان این مکتب [جامعه‌شناسی شناخت] چنین عنوان می‌کنند که اگر همان‌طور که پیروان این مکتب ادعا می‌کنند؛ همه فلسفه‌ها ایدئولوژی هستند، پس جامعه‌شناسی شناخت هم یک ایدئولوژی است و چیزی جز باطل نیست؛ زیرا آنها هم به خاطر منافی بقیه را به باد انتقاد می‌گیرند. باید در اینجا خاطر نشان کرد که این مطلب نمی‌تواند درباره وبر و مانهایم صادق باشد؛ زیرا [این دو] به هیچ‌وجه درصدد ساختن یک ایدئولوژی برنیامده‌اند و کلمه ایدئولوژی را در موقعیت‌های مختلف با برداشت‌های مختلف به کار برده‌اند، مثلاً وبر سعی می‌کند اشتباه مارکس را در زمینه ارتباط زیربنا و روبنا خاطر نشان و ثابت کند که اخلاق پروتستان، نظام سرمایه‌داری را به وجود آورد نه اینکه سرمایه‌داری، مذهب پروتستان را ایجاد کرده باشد. نوآوری مانهایم این است که ایدئولوژی را به معنای مرتجعانه آن، یعنی حفظ نظام موجود، به کار می‌برد و برای معنای مارکسیستی آن که می‌خواهد مدینه فاضله بسازد، لغت آرمان یا یوتوپیا را به کار برد [هرچند در همه نوشته‌های خود این تفکیک را رعایت نمی‌کند]. مانهایم معتقد بود «نظام فکری» بر پایه منافع گروهی استوار است و به همین جهت مانند کفه ترازوی سنگین‌تر شاهین فکر به آن طرف متمایل می‌شود. وی برای علاج این درد اجتماعی پیشنهاد می‌کند، گروهی روشنفکر بی‌طرف به صورتی فارغ از منافع طبقاتی و خارج از هر طبقه تشکیل شود و فقط چنین گروهی بتواند صاحب شناختی شود که ایدئولوژی، یعنی شناخت باطل نیست. چنین دیدگاهی فوراً انسان را به یاد مدینه فاضله افلاطون می‌اندازد و بدیهی است همان قضاوت هم درباره مانهایم می‌رود و ادعای علم‌گرایی او نقش بر آب می‌شود.

و) سیاست‌های ایدئولوژیک و سایر سیاست‌ها

دیدگاه مانهایم که روشنفکر باید قادر باشد خود را از هر نوع ایدئولوژی فارغ کند و مافوق ایدئولوژی قرار گیرد، با نظر ناپلئون متعارض است که ایدئولوژی بالأخص ساخته و پرداخته روشنفکر است و در حال حاضر هم طرفدارانی دارد. گروهی از سیاست‌پیشگان عصر حاضر سیاست را یک امر فنی و فعالیت اجتماعی تلقی می‌کنند و از اینکه به آنها مَهر ایدئولوژی معینی بزنند، اِبا دارند و به این ترتیب نظر مانهایم را تأیید می‌کنند؛ ولی باید توجه کرد که روزبه‌روز این حقیقت مسلّم‌تر جلوه می‌کند که ایدئولوژی مانع اعمال سیاست صحیح می‌شود و سلامتی یک